

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ جون ۲۰۱۹

معنای این جمله "خلیلزاد" که "رسیدن به صلح اولویت ماست"

پنجشنبه- ۱۶ جوزا ۱۳۹۸ - کابل: در رسانه ها آمده است که "زلمی خلیلزاد" نماینده خاص وزارت خارجه امریکا در امر تأمین صلح با طالب، حین ملاقات با بزرگان ناتو و اتحادیه اروپا گفته است که در افغانستان "رسیدن به صلح از اولویت" برخوردار است. بیانید اندکی معنای این اولویت و تأثیرات آن را به بحث بگیریم:

۱- همه می دانیم که امسال یعنی ۱۳۹۸ مطابق ۲۰۱۹ دقیقاً از اول جوزای آن، دوران حکومت "غنی احمدزی" خاتمه یافته و می باید در تحت هر شرایطی انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردد. یعنی به حساب قانون اساسی دولت دست نشانده و وعده وعید های حکومت خیانت ملی، نسبت به تمام تصامیم سیاسی، رفتن پای انجام انتخابات از اولویت برخوردار می باشد.

۲- وقتی خلیلزاد رسماً می گوید که اولویت ما رسیدن به صلح است، غیر مسقیم می خواهد بگوید "انتخابات بی انتخابات" یا "بلا د پس انتخابات" باید صلح را چسبید.

۳- هرگاه جریان و اوضاع قسمی پیش برود که "خلیلزاد" می خواهد، در آنصورت:

الف- بر مبنای توافق صلح با طالب، امریکائی ها تصمیم گرفته باشند که به حیات حکومت شان نقطه پایان گذاشته، با بستن بار و پندک هایشان و با به رسمیت شناختن "امارت اسلامی افغانستان"، کشور را به همان جایی بفرستند که قبل از تجاوز شان قرار داشت، یعنی حاکمیت بلامنازع طالب بر حیات و مامت "بیعت کنندگان امیرالمؤمنین".

ب- با طالب به چنان توافقی برسند، که دولت فعلی جایش را به یک حکومت سرپرست سپرده، آن حکومت وظیفه برگزاری انتخابات و به قدرت رسیدن حاکمیت بعدی را مساعد بسازد.

پ- در توافقات شان با طالب، به این فیصله برسند که طالب با دولت دست نشانده نیز صلح نموده، با پذیرش قانون اساسی دست ساخت استعمار، بخت خود را در انتخاباتی به آزمایش بگذارند که زیر نظر همین حاکمیت و شخص متقلب و خائنی مانند "غنی احمدزی" برگزار می گردد.

ت- در قرار داد صلح قید گردد که هر یک از طرفین یعنی هم دولت دست نشانده و هم طالب، مناطق نفوذ شان را حفظ نموده، در حقیقت افغانستان را خموشانه و با چراغ های گل به طرف تجزیه سوق بدهند.

هموطنان گرامی!

تا جائی که ذهن من قد می دهد در این مغازله و نرد عشق باختن، همین ۴ بدیل مطرح می گردد، اگر بدیل دیگری نیز وجود داشته باشد، می شود در آن مورد نیز صحبت نمود:

به حساب بدیل نخستین و به رسمیت شناختن "امارت اسلامی"، گذشته از این که امریکا ناگذیر است زبونه به شکستش اعتراف بورزد و مسؤولیت کشته شدن هزاران سرباز امریکائی، شرکای امریکا، نیروهای طالب و مردم عادی افغانستان را در پیشگاه تاریخ به دوش گیرد و ناگذیر است تمام "تحفه هایش" را که از پیتزا رسانی و دکانداری برداشته بر ما حاکم ساخته است، دوباره به امریکا و اروپا برگرداند، می باید بر تمام نیروهای امنیتی دست ساخت خودش نیز خط بطلان بکشد، یعنی همان کاری را انجام دهد که زمانی "ستانکزی" طالب، آن را به مثابه خواست مطرح نموده بود. به این هم ختم نشده می باید آماده باشد تا در درگیری بعد از توافق، جنگ محتوم بین دشمنان قبلی طالب با طالب را نظارت و سرپرستی نماید، در غیر آن کشور های رقیب مانند روسیه و ایران، افغانستان را مجدداً عرصه تاخت و تاز شان قرار خواهند داد.

پذیرش بدیل سوم و چهارم آنهم در اوضاع فعلی که طالب دست بالا در مذاکرات و میدانهای جنگ دارد، می توان نوشت تقریباً منتفی اند. اما در صورتی که پذیرفته شود واضح است که باز هم جنگ بین اقوام متعدد باشنده این کشور به خصوص در بدیل چهارم، افغانستان خونین تر خواهد ساخت.

باقی می ماند بدیل دوم یعنی ختم کار این حکومت و سپردن کار به یک حکومت سرپرست، تا انتخابات آینده را برگزار نماید. مسلم است که این بدیل از همه اولتر با مخالفت صریح شخص "غنی احمدزی" که اینک بر سریر قدرت تکیه زده و با استفاده از تضاد های موجود در درون هیأت حاکمه امریکا می خواهد اداره "ترمپ" را دور بزند، مواجه خواهد شد. زیرا نامبرده سخت مصمم است تا یک دور دیگر نیز در قدرت باقی ماند و حاضر نیست به هیچ قیمتی مگر بریدن سرش، از ارگ بیرون شود.

هموطنان گرامی!

از مجموع این بحث می توان نتیجه گرفت که آنچه به نام صلح و صلحخواهی فعلاً در افغانستان مطرح می گردد، سرابی بیش نیست و نباید بدان دل بست.

سرکها ما را می طلبند!